

رفتن این آب فوق آسیا است  
رفتنش در آسیا بهر شماسست  
مثنوی معنوی

### یادداشتی کوتاه بر ویژه نامه آب

نویسنده این سطور بیش از نیم قرن است که به شکل‌های بسیار گوناگون با مطبوعات و کار مطبوعاتی و چشم‌داشت‌ها، چشم‌زخم‌ها، چشم‌انتظاری‌ها و پیامدهای آن آشنا است، که به برخی دشواری‌های این راه در کتاب **به راه بادیه رفتن**<sup>۱</sup> اشاره شده است. پادبیر این دو فصلنامه در این یادداشت می‌خواهد به یک نقد تند شفاهی درباره دو مقاله مربوط به آب در شماره ۵ و ۶ فصلنامه علوم اجتماعی (پاییز و زمستان ۱۳۷۳) و پیامد آن بر تأخیر اندیشه پردازش بنیادی آب در دو فصلنامه دانشکده و تغییر پیش آمده در رویکرد اساتید و البته کمی دیر هنگام و تصمیم هیأت تحریریه در دو ویژه نامه آب مجلات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی اشاره‌ای داشته باشد. شاید این اشاره خواننده علاقمند به **بُن مایه آفرینش** (آب) را به کار آید و احیاناً به این پرسش داندگان و علاقمندان آب که چرا چنین دیر؟! این اشارات برای کسانی که درباره علم علوم اجتماعی و مسائل پیرامون آن همچون مجلات علوم اجتماعی هم در ایران معاصر کار می‌کنند و خواهند کرد نیز می‌تواند به جهاتی مفید باشد. خوشبختانه بسترین همکاری مؤلف پس از انقلاب اسلامی در طی چهل و دو سال گذشته با دو مجله دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی - بیش از ربع قرن در **فصلنامه علوم اجتماعی و حدود یک دهه در فصلنامه دانش بومی و دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران** - بوده است. آنچه که می‌خواهم در این چند صفحه اشاره کنم، در پیود با این دو مجله می‌باشد.

---

۱- نک به: مرتضی فرهادی؛ مرتضی سالمی قمصری. **به راه بادیه رفتن** (نقد علوم اجتماعی و بُن‌لادهای آن در ایران)، سمنا، ۱۳۹۸، نشر حبله رود.

بیست و هفت سال پیش، پس از چاپ شماره ۵ و ۶ فصلنامه علوم اجتماعی یکی از اساتید پیشکسوت دانشکده با عصبانیت بسیار در حالی که بلند بلند با مدیرمسئول فصلنامه صحبت می‌کردند و از پله‌های دانشکده بالا می‌آمدند وارد اتاق فصلنامه شدند، در آن زمان اینجانب مدیر داخلی و دبیر هیأت تحریریه فصلنامه بودم! در ادامه دریافتم که عصبانیت بسیار استاد همکار، به دلیل چاپ دو مقاله میدانی و اکتشافی به نام بند پنهان قنات (سری نهفته در دل خاک) از دکتر بیژن داری و استاد جواد صفی‌نژاد و همچنین مقاله‌ای درباره آسیاب‌های کمره از آقای رضا سرافرازی بوده است. معنای کلی سخن همکار ارجمند با پوزش از نویسندگان این دو مقاله این بود که چاپ چنین مقالاتی دون شأن فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده و اساتید آن است. این تصور به وجود آمده بود که علاقه مؤلف به مسائل مردم‌شناسی و علوم اجتماعی بومی سبب شده است که فصلنامه علوم اجتماعی به مردم‌شناسی بیش از اندازه گرایش پیدا کند. چنین موقعیت و تصوراتی سبب شد که مؤلف پس از این، اولاً طرح و پیشنهاد ویژه‌نامه آب که وجودش را بسیار در بایست یافته بود، در هیأت تحریریه مطرح نکرده و مهمتر و نزدیک‌تر این که از ارائه نوشته‌های متعدد مربوط به آب خود به فصلنامه دانشکده، خودداری کند.<sup>۱</sup>

این وضعیت سبب شد که در دهه هفتاد مؤلف مقالات مربوط به آب و بحران چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و مسائل فرهنگی و اجتماعی مربوط به آب در ایران را در مجلات دیگر به چاپ برساند و از آن جمله مقاله بسیار حساس جنگ پنهان سی ساله بود که اعلان نوعی بحران آب سفره‌های زیرزمینی ایران به شمار می‌رفت که

---

۱- گفتمنی است که در همین سال‌ها مؤلف در فصلنامه‌ها و ماهنامه‌های ایرانی بیش از ۵ مقاله درباره آب، کاریز و دیگر سازه‌های تاریخی آب و دیگر مسائل آن به چاپ رسانده است که بسیاری و دست‌کم برخی از آنها می‌توانست در فصلنامه علوم اجتماعی منتشر شود!

### یادداشتی کوتاه بر ویژه‌نامه آب ۳

بخش‌هایی از آن در **مجله جهاد** به چاپ رسید.<sup>۱</sup> اگر چه مقاله‌شناسی‌های هر ده سال یکبار مقالات فصلنامه و طبقه‌بندی آنها نشان داد که هرگز وزن مقالات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی از دیگر رشته‌های علوم اجتماعی در این مجله زیادتر نبوده است و همکاران ما کمتر مجله را با دقت مطالعه کرده بودند.

فهرست موضوعی ۲۰ شماره نخست مجله نشان می‌داد که تنها مقالات جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی بیش از ۵۳ مقاله از ۱۱۴ مقاله را به خود اختصاص داده و تعاون و مشارکت ۱۶ مقاله و ارتباطات و مردم‌شناسی هر کدام ۱۴ مقاله و خدمات اجتماعی ۱۲ مقاله و روانشناسی اجتماعی ۳ مقاله و کتابشناسی و مقاله‌شناسی ۳ مقاله را به خود اختصاص داده بودند. در فهرست موضوعی مقالات در سی شماره نخست نیز مقالات جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی ۵۷ مقاله و ۱۶ مقاله در حوزه مردم‌شناسی بوده است. این مسئله تا پایان دوره اول مجله، ۷۷ شماره مورد نظر ما تعداد و درصد مقاله‌های هر حوزه تقریباً یکسان مانده بود، چرا که چاپ مقالات به شیوه کار **فصلنامه علوم اجتماعی** چنان بود که گویی ما با یک پدیده اجتماعی روبرو بوده‌ایم و نه با یک سلیقه و خواست شخصی.

فصلنامه‌های ما خریدار لباس‌های دوخته شده در بازار علم ایران بوده‌اند و مجلات علمی دانشکده‌های علوم اجتماعی، هرگز دارای توان بودجه سفارش دادن مقالات به معنای پرداخت حق‌الزحمه کلان نوشتن نبوده‌اند.

همه مقاله‌شناسی‌های موضوعی مجله علوم اجتماعی نشان می‌دهد که کمیت مقاله‌شناسی موضوعی در ۲۰ شماره و سپس در ۳۰ شماره و بالاخره تا ۷۷ شماره دوره اول فصلنامه بستگی به توانایی تولید مقالات در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی داشته و ما به قول امیل دورکیم در این مورد با یک پدیده اجتماعی روبرو بوده‌ایم و نه فردی!

---

۱- مطالب مؤلف در حوزه آب افزون بر مقالات چاپ شده در مطبوعات بعد از انقلاب اسلامی، اکنون در کتابی به نام **بانگ آب و گر خواب** (مردم‌شناسی آب) در دستور چاپ انتشارات افکار قرار داد.

جدول ۱- تعداد و درصد مقاله هر حوزه در فصلنامه علوم اجتماعی تا شماره ۷۷<sup>۱</sup>

ردیف	موضوع اصلی	تعداد	درصد
۱	جامعه‌شناسی	۲۱۹	۴۷/۵
۲	جمعیت‌شناسی	۹	۲
۳	مردم‌شناسی	۴۸	۱۰/۵
۴	تعاون و مشارکت	۲۶	۵/۶
۵	خدمات اجتماعی	۲۹	۶/۳
۶	روان‌شناسی اجتماعی	۵	۱/۱
۷	ارتباطات	۸۵	۱۸/۵
۸	برنامه‌ریزی	۲۱	۴/۵
۹	آب و علوم اجتماعی	۹	۲

(منبع: کتاب به راه بادیه رفتن<sup>۲</sup>)

خوشبختانه در اواخر تابستان ۶ سال پیش (۱۳۹۳/۶/۲۵)، در یک بعدازظهر در دانشکده دو جلسه هیأت تحریریه برای دو مجله علوم اجتماعی و دانش‌های بومی ایران تشکیل شده بود که زیباترین و دلچسب‌ترین جلسه هیأت تحریریه برای مؤلف بودند. اگرچه این جانب به‌عنوان میزبان، همیشه از دیدار استادان و اعضای هیأت تحریریه به‌ویژه آنان که از خارج دانشکده زحمت می‌کشیدند، همیشه شادمان بوده است، اما تفاوت این دو جلسه در این بود که پس از بیست سال که از محاکمه فصلنامه علوم اجتماعی برای چاپ دو مقاله مربوط به آب در حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های بومی و اقتصاد آب ایران می‌گذشت، به پیشنهاد این‌جانب و با رأی اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت تحریریه و در هر دو جلسه چاپ ویژه نامه‌ای در حوزه آب، تصویب گردید و اعضاء اظهار کردند که آب در کشور ما به آن اندازه مهم است

۱- دوره اول مجله پس از چاپ شماره ۷۷ و با کناره‌گیری سردبیر، مدیر مسئول و مدیر داخلی و سپردن کار به

تیم جدید مجله به پایان رسید.

۲- مرتضی فرهادی، مرتضی سالمی قمصری. (۱۳۹۸). به راه بادیه رفتن، سمنان: انتشارات حبله رود، صفحه

که با وجود دشواری‌های کار ما برای چاپ یک ویژه‌نامه در حد توان بکوشیم. این برخورد خردمندانه و از سر دلسوزی انگار مرهمی بود به زهر و زخم برخورد بیست سال پیش با مجله علوم اجتماعی و بر سر چاپ دو مقاله مربوط به آب و بُن مایه آفرینش، در کشوری کم‌باران و درعین حال یکی از اولین کشورهایی که در جهان از دوران طولانی گردآوری غذا به تولید غذا (بوستانکاری، کشاورزی و دامداری) آن هم با شیوه آبیاری مصنوعی پرداخته و به یکجانشینی روی آورده است.

به دلیل وسعت موضوعات مربوط به آب در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و با کوشش‌ها و زحمات بسیار مجله و اعضا هیأت تحریریه پس از سه سال ما توانستیم نخستین ویژه‌نامه آب را در مجلات علوم اجتماعی ایران در ۴۴۰ صفحه به چاپ برسانیم. چاپ نخست این ویژه‌نامه در کمتر از ۶ ماه نایاب شد و به چاپ دوم رسید، که چاپ دوم نیز در مدت کوتاهی به پایان رسید. بجاست اگر معاونت پژوهشی دانشگاه چاپ پرشماره‌ای با کاغذ ارزان و گاهی از این ویژه‌نامه را به عنوان چاپ سوم، برای نمایشگاه‌های کتاب، در آینده به انجام برساند.

لازم نیست که توضیح دهیم، که برخورد فیزیکی و تکنولوژیکی و مهندسی صرف و بیشینه، اقتصادی به مسئله پیچیده و خطیر آب چه خطرات بزرگی را هم برای جوامع نظیر ما و هم برای توسعه پایدار و زیست‌بوم کشورها، به‌ویژه در جغرافیا و اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی می‌تواند داشته باشد. کسانی که در اوایل کار فصلنامه، از مقالاتی نظیر بند پنهان زیرزمینی قنات استقبال نمی‌کردند، شاید بیش از همه در این تصور بودند که آب مسئله‌ای فیزیکی و اقلیمی و قنات وسیله‌ای قدیمی و پردردسر و غیراقتصادی و دون شأن تمدن بزرگ! است. اگرچه، عمدتاً یک جامعه‌شناس نمی‌تواند حتی در سطح نظری ناب نیز پدیده‌هایی مانند: آب و کشاورزی یا آبیاری مصنوعی و ثبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن را نادیده بگیرد.

آب افزون بر پیچیدگی‌های بسیار فیزیکی و شیمیایی و جوهری خود، شدیداً هم با اقتصاد و اقتصاد کشاورزی و از آن مهم‌تر هرچند پوشیده‌تر با سیاست و اقتصاد

سیاسی و هم با مسائل اجتماعی و فرهنگی و در عصر ما و به‌ویژه برای کشورهای جهان سوم با مسئله توسعه پایدار، به‌شدت در ارتباط است و با مسائل و برنامه‌های معماری نظام سوداگری نیز شدیداً درگیر است. خوشبختانه این دومین ویژه‌نامه آب است که با دشواری از جانب دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در سال‌های اخیر چاپ و به دست خوانندگان و اندیشکده‌های آب و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های درگیر می‌رسد. امیدوارم بدانند که برای یک دانشکده علوم اجتماعی سفارش و اجرای چنین کاری تا چه اندازه دشوار بوده است و ما نیازمند برداشتن چنین گام‌هایی هرچند بسیار دشوار و کند خواهیم بود و از آن گریزی نیست.

اولین ویژه‌نامه آب از زاویه دید دانشکده‌های علوم اجتماعی در ایران در شماره ۷۷ **فصلنامه علوم اجتماعی** (تابستان ۱۳۹۶) بوده است؛ که مسئله آب را نه از زاویه محدود و مرسوم گذشته، بلکه در پیوند نزدیک با مسائل عدیده علوم اجتماعی موردبررسی قرار داده است که برخی از مقالات آن، اولین مقاله در حوزه خود بوده‌اند. نگاهی به مقالات آن ویژه‌نامه نشان‌دهنده تنوع مقالات و چندبعدی بودن مسئله آب و بحران آب در ایران از ابعاد و مقوله‌بندی‌های جهانی و مباحث وسیع‌تر از تاریخ و جغرافیای ایران و با زبان جهانی علوم اجتماعی مطرح‌شده است و تأثیرات قدرت‌های قاهر بین‌المللی و نظام سوداگری - استعماری و منافع آن در فهم و شکل دادن به مسئله، موردتوجه قرار گرفته است. بدین ترتیب قدرت سیاسی و اقتصادی و تکنولوژیکی و همچنین قدرت نرم و پوشیده آن، نظیر اندیشه‌ها و نظریات و مکاتب توسعه‌ای و فلسفه‌های پشتیبان آن، همچون شطرنجی بین‌المللی بر روند مسائل مربوط به آب در ایران تأثیرگذار بوده‌اند و در مقالات ویژه‌نامه آب **فصلنامه علوم اجتماعی** کوشیده شده که به این روابط پنهان و غالباً عالمی و عامداً پنهان نگاه داشته شده، توجه گردد. به‌طوری‌که کمتر نوشته‌ای درباره سیاست‌های مربوط به استحصال آب‌های سفره‌های زیرزمینی در هشتاد سال گذشته ممکن است به دست آید که پرده یا پرده‌هایی از روابط شدیداً سیاسی و اقتصادی این برنامه‌ریزی‌های ظاهراً انسان‌دوستانه

## یادداشتی کوتاه بر ویژه‌نامه آب ۷

و اقتصادی و توسعه‌ای را کنار زده باشد. به قول "امانوئل والرشتاین" و "سمیر امین"، "فردیناند برودل"، "لغتن استاوروس"، "استاوریانوس" (۱۹۱۳-۲۰۰۴) هدف‌های برخاسته از تقسیم‌کار جهانی ناعادلانه بین کشورهای استعمارگر (مرکز) و مستعمره (پیرامون) را آشکار سازد.

### ویژه‌نامه آب در دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران

گفتنی است که اکنون ۶ سال از پیشنهاد و تصویب این ویژه‌نامه گذشته است و مجله با سختی بسیار توانسته است پس از ۶ سال این ویژه‌نامه را برای چاپ و استفاده مخاطبان آماده سازد. علت به درازا کشیده شدن این کار، محدودیت‌ها و قیدهای موضوعی دو فصلنامه مزبور است. عنوان دانش‌ها و فن‌آوری‌های بومی دو فصلنامه ایجاب می‌کند، که حتی مانع چاپ برخی از مقالات مردم‌نگاری و مردم‌شناسی آب نیز می‌شود. برای مثال «عروسی آب»، «حضور آب در آینه‌های ایرانی و یا در جشن پایان لایروبی و حکومت زنان در سامن ملایر» و یا «بیل گردانی، آخرین بازمانده یک ورزش پهلوانی و آئینی» که همه این‌ها نام مقالات مؤلف است که در مجلات گوناگون ایران پس از انقلاب اسلامی به چاپ رسیده‌اند، که نمی‌توانند در دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران چاپ شوند.

چنین مقالاتی هم بایستی در حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی قرار گیرند و هم باید مربوط به آب و ایران باشند. بنابراین فصلنامه برای این که هم ویژه‌نامه را به‌جایی برساند و هم سطح کار افت نکند و هم کار، پیوند خود با نام دو فصلنامه را حفظ کرده باشد، ناچار شد، چندین بار نوبت را از شماره ویژه‌نامه آب، ستانده و به شماره‌های معمولی دو فصلنامه بدهد، در نتیجه این چند بار جابجایی، چاپ ویژه‌نامه آب از شماره ۷ به شماره ۱۲ رسید. حال در نظر بگیرید که صاحبان مقالاتی که نوشته‌های آنها از جانب دو فصلنامه پذیرفته شده است چقدر باید صبوری دهقانی داشته باشند و چشم‌انتظار مقالاتشان بمانند. با نگاهی به تاریخ پذیرش این مقاله‌ها می‌توان بندی از

شعر انگور<sup>۱</sup> نادر نادرپور را در وصف این شماره بیان کرد: «چنین آسان مگیریدش /  
چنین آسان منوشیدش»<sup>۲</sup>.

مرتضی فرهادی

۱۳۹۹/۱۱/۱۹

---

۱- چه می گویند؟ کجا شهد است این آبی که در هر دانه شیرین انگور است؟ / کجا شهد است؟ این اشک است / اشک باغبان پیر رنجور است / که شبها راه پیموده / همه شب تا سحر بوده / تاکها را آب داده / پشت را چون چفته‌های مو، دو تا کرده / دل هر دانه را از اشک چشمان، نور بخشیده / تن هر خوشه را با خون دل شاداب پرورده / چه می گویند؟ / کجا شهد است این آبی که در هر دانه شیرین انگور است؟ / کجا شهد است؟ این خون است / خون باغبان پیر رنجور است / چنین آسان مگیریدش / چنین آسان منوشیدش / شما هم ای خریداران شعر من / اگر در دانه‌های نازک لفظم / و یا در خوشه‌های روشن شعرم / شراب و شهد می‌بینید / غیر از اشک و خونم نیست / کجا شهد است؟ این اشک است / این خون است / شرابش از کجا خواندید؟ این مستی نه آن مستی است / شما از خون من مستید / از خونی که می نوشید / از خون دلم مستید / مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کشم بیرون / مرا هر شعر دریایی است / دریایی است لبریز از شراب و خون / کجا شهد است این اشکی که در هر دانه لفظ است؟ / کجا شهد است ، این خونی که در هر خوشه شعر است؟ / چنین آسان می‌فشارید بر هر دانه لبها را و بر هر خوشه، دندان را / مرا این کاسه خون است / مرا این ساغر اشک است / چنین آسان مگیریدش / چنین آسان منوشیدش .

<sup>۲</sup> - نادر نادرپور. گزیده اشعار، تهران.